



چهره گفت

نیکلاس سادورو رئیس جمهوری ونزوئلا

گفت: «این موضوع تأیید شده که حمله سایبری اخیر علیه سیستم برق‌رسانی ونزوئلا، از خاک آمریکا هدایت شده است. این حملات با فرماندهی واشنگتن و «جان بولتون» [مشاور امنیت ملی آمریکا] صورت گرفت.» وی افزود: «ما مدارک تحقیقات در این مورد را که حمله سایبری چگونه انجام شده و چه کسی عامل آن بوده، در اختیار داریم.»

عمران خان نخست‌وزیر پاکستان گفت:

«مذاکرات با طالبان شروع شده است و ان‌شاء‌الله‌برادران‌مادرافغانستان‌در‌روزهای آینده‌باصلاح‌و‌رامش‌در‌کنار‌یکدیگر‌زندگی خواهند‌کرد.» خان افزود: «صلح‌موجب ثبات، شگوفایی تجاری و اقتصادی منطقه می‌شود و به افغانستان کمک می‌کند تا روی پای خودش بایستد. دولت شرافتمند که نماینده همه‌مردم‌افغان خواهد‌بود.»

ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه

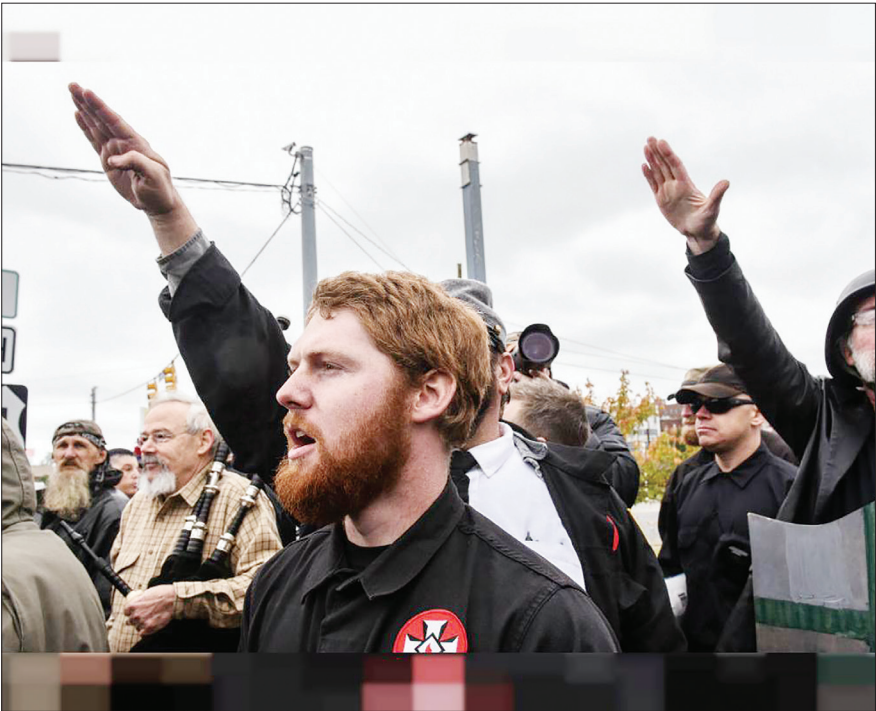
گفت: «ما از نزدیک وضعیت منطقه کاهش تنش در ادلب را تحت نظر داریم؛ آنچه به شکل جدی باعث‌نگرانی‌ما‌شده‌گزارش‌های جدیدی است که از اقدامات تروریست‌های النصره با کمک سازمان بدنام کلاسیفدها برای اجرای حمله دیگری با کمک مواد شیمیایی سمی به دست‌ما رسیده است و طبق این گزارش‌ها آنها قصد دارند پس از اجرای این حمله مسئولیت آن را برعهده نیروهای دولت سوریه ببندازند.»

حبیب‌بوش برادر کوچک‌تر «جورج بوش پسر»

و نامزد ناکام انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا گفت: «یک نامزد از حزب جمهوری خواه باید با «دونالد ترامپ» در انتخابات سال آینده رقابت کند.» بوش با اذعان به دشواری رقابت هر نامزد جمهوری خواه با ترامپ گفت: «شکست دادن رئیس جمهور مستقر، کار سختی است.»

برخورد دوگانه سیاستمداران و رای دهندگان غربی در قبال تروریست‌های راست افراطی

غرب و تروریسم مشروع



«متنی را که در آن از وی به‌عنوان «نماد هویت احیا شده سفیدپوستان» یادہ شده باشد ندیده است.» به نوشته خبرگزاری «رویتز» وی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا تهدید «ناسیونالیسم سفید(پوستان)» در حال افزایش است، مدعی شد: «نه حقیقتاً. به نظرم آنها دعای قلیل هستند که مشکلات بسیار جدی دارند.»

ایسن اظهارات ترامپ برای کم‌اهمیت جلوه دادن وجود اندیشه‌های نژادپرستانه در غرب در حالی است که وی در سالل ۲۰۱۷ نیز مواضعی جنجالی دربارہ اقدامات نژادپرستان سفیدپوست در شهر شارلوتسویل اتخاذ کرده بود. با روی کار آمدن ترامپ و انگیزه گرفتن گروه‌های ملی‌گرا در آمریکا این افراد اقدام به برگزاری تجمعاتی در شهر شارلوتسویل ویرجینیا در حمایت از حفظ نشان‌های برده‌داری در ایالت‌های جنوبی کردند که با اعتراض گروه‌های مدافع حقوق رنگین‌پوستان مواجه شد. به دنبال

تایید کشتارهای نژادپرستانه در غرب برای مردم

سال ۲۰۱۱، رسانه‌ها خبری هولناک را از نوژ مؤخبره کردند. در ۲۲ جولای این سال یک خودروییمیگذاری‌شده در نزدیکی دفتر نخست‌وزیری نوژ و مرکز اداری اسلو

گزارش

میراحمد رضا مشرف

روزنامه‌نگار

در حالی که چند ماه از آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان آمریکا و طالبان می‌گذرد و این گفت‌وگوها همچنان ادامه دارد، تاکنون دستاورد و خروجی روشنی از این مذاکرات حاصل نشده است. تنها نکته‌ای که در ابتدای سال میلادی اعلام شد توافق دوطرف بر سر چارچوب‌های کلی مذاکرات بود که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، تضمین این موضوع که این کشور در آینده به‌مامنی برای تروریست‌ها تبدیل نخواهد شد، اجرای آتش‌بس و سرانجام مذاکرات صلح بین افغان‌ها را شامل می‌شد. در آن هنگام خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان مدعی شد که چهار مورد فوق کاملاً یکپارچه و مرتبط هستند و هرگونه توافقی یا روی مجموعه این چهار مورد انجام می‌گیرد یا اینکه هیچ‌سندی امضا نخواهد شد. با گذشت چندین دور از مذاکرات میان دوطرف اکنون مشخص نیست که این قاعده «همه» یا «هیچ» مورد ادعای خلیل‌زاد همچنان با برجاست یا خیر؟ خبرهایی که از آخرین دور گفت‌وگوها به گوش می‌رسد این است که در حال حاضر بحث‌ها بر دوح محور اول یعنی زمان‌بندی خروج نیروهای آمریکایی و چگونگی مبارزه با تروریسم تمرکز دارد و در رابطه با بقیه موارد هنوز گفت‌وگوی جدی انجام نشده است. بدین ترتیب اگر در نه‌ب‌ات توافقی میان آمریکا و طالبان بر محور این دو موضوع اعلام شود، آن وقت باید گفت که آمریکایی‌ها تنها بر هدف اصلی خود یعنی دستیابی به راه‌کاری برای خروج آبرومندانه از افغانستان متمرکز بوده‌اند و بخش‌های اصلی و چالش‌برانگیز فرآیند صلح همچنان دست نخورده و مبهم باقی مانده است. همان‌گونه که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، مباحث دیگری چون چالش‌های امنیتی، ساختار نظام سیاسی در آینده و جایگاه و نقش زنان نیز عمده‌ترین موضوعاتی خواهند بود که در کنار موضوع خروج نیروهای آمریکایی، باید حل‌وفصل شوند تا زمینه تحقق یک صلح پایدار در این کشور فراهم شود.

آمریکا و چالش خروج از افغانستان

هرچند هم اکنون مذاکرات مستقیمی میان آمریکا و طالبان بر سر چگونگی خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در حال انجام است، اما برگزاری همین مذاکرات هم خود با سوالات و ابهاماتی توام شده است. در همین راستا، در وهله اول این پرسش مطرح می‌شود که آیا واشنگتن می‌تواند وارد مذاکرات مستقیم با طالبان شود؟ گویا پیش از آغاز این مذاکرات سیاست واشنگتن بر این اساس قرار داشت که طالبان باید با حکومت افغانستان گفت‌وگو کنند و روند صلح هم باید به رهبری حکومت کابل انجام شود. اما به نظر می‌رسد اصرار و شتاب ترامپ برای خروج نیروهای آمریکا از این کشور، مقامات کاخ سفید را به سوی مذاکراتی سوق داد که از دیدگاه برخی دولتمردان افغانستان و شاید سیاستمداران و حقوقدانان آمریکایی غیرقابل‌پذیرش است. «محمدعمر داودزی»، رئیس دبیرخانه شورای عالی صلح و نماینده رئیس‌جمهور افغانستان در امور صلح، صراحتاً به این مساله معترض می‌شود که واشنگتن حق ندارد برخلاف پیمان امنیتی که با حکومت افغانستان امضا کرده است با طالبان در مورد خروج سربازانش توافق کند. حضور سربازان آمریکایی بر اساس پیمان امنیتی است و در چنین شرایطی هرگونه توافق و معاهدۀ‌ای برای خروج نیرو‌های آمریکا از افغانستان فقط باید میان دولت کابل و واشنگتن انجام گیرد.

اقتاع افکار عمومی در آمریکا و جهان در مورد اهداف و دستاوردهای عملیات ۱۸ ساله در افغانستان چالش مهم دیگری است که بر سر راه هرگونه توافقی برای



فرآیند دشوار صلح در افغانستان

این بنا بر آمار اعلام‌شده از سوی اشرف غنی، از سال ۲۰۱۴ تاکنون نزدیک به ۴۵ هزار نفر از نیروهای امنیتی در درگیری با طالبان کشته شده‌اند. در چنین شرایطی این نگرانی وجود دارد که با خروج نیروهای خارجی یا با امضای یک توافقنامه صلح شایزده که در آن چالش امنیت به‌درستی مورد توجه قرار نگرفته باشد، اوضاع از آنچه هست وخیم‌تر شده و حتی به سوی جنگ‌های داخلی سوق پیدا کند. بنابراین در هرگونه توافق صلحی باید مساله تأمین امنیت و نیروهای برقرار‌کننده آن کاملاً روشن شود. در حال حاضر طالبان خواهان انحلال ارتش ملی است و دولت هم نظر به خلع سلاح طالبان دارد و پیدا کردن راه‌حل میانه‌ای که هر دوطرف به آن رضایت داشته باشند آسان به نظر نمی‌رسد. در این زمینه پیشنهاد‌های متفاوتی هم ارائه شده است. کنترل مشارکتی بر ارتش و نیروهای امنیتی، از طریق سپردن برخی پست‌های کلیدی همچون وزارت دفاع و داخله (کشور) به طالبان یکی از این موارد است. ادغام طالبان در نیروهای مسلح که می‌تواند به صورت کلی با در چارچوب جذب یک به یک و کنترل شده انجام گیرد، یکی دیگر از راه‌حل‌های پیشنهادی است. در کنار اینها راه‌حل دیگری هم مطرح شده است که بر اساس آن دوطرف نیروهای مسلح تحت امر خود را حفظ کرده و امنیت نواحی تحت کنترل خود را برعهده خواهند داشت. در هنگام بروز اختلاف یا تنش نیز هر دوطرف حکمیت و داوری میان خود قرار دهند و نظر طرف سوم را بپذیرند. اجرای هرکدام از این پیشنهادها قطعاً توام با چالش‌هایی خواهد بود، به‌ویژه در شرایطی که طالبان احساس کنند در مذاکرات دست برتر را دارند. در هر حال موضوع مهم این است که در زمان برقراری آتش‌بس و در طول فرآیند صلح خلأ امنیتی به وجود نیاید و پس از آن نیز در ساختار آینده مباحث مربوط به امنیت کاملاً دقیق و روشن مورد توجه واقع شود.

آینده مبهم نظام سیاسی افغانستان

حدود ۱۸ سال از استقرار نظام سیاسی جدید در افغانستان می‌گذرد و انتظار می‌رفت طی این مدت نواقض آن برطرف و گام‌هایی رو به جلو برداشته شود. اما برخلاف این انتظارات دولت وساختار سیاسی حرکتی در جهت معکوس داشته‌اند. از لحاظ مناطق تحت کنترل دولت مرکزی شاخص از ۷۵ درصد به ۵۵ درصد تقلیل یافته‌است. پیشرفت اقتصادی قابل توجهی حاصل نشده و دولت همچنان به‌شدت به کمک‌های خارجی وابسته است. از همه اینها مهم‌تر قانون اساسی هم در موارد متعددی به‌درستی اجرا نشده یا نقض شده است. دولت در برگزاری انتخابات امن و سالم هم بسیار ناتوان نشان داده که این خود سرمنشأ بسیاری از تخلفات بوده است، چنانکه برگزاری ناموفق انتخابات ریاست‌جمهوری منجر به تشکیل دولت

وحدت ملی خارج از چارچوب قانون اساسی شد. علاوه بر این تمديد دوره قبلی پارلمان و برگزاری انتخابات پارلمانی برحرف و حدیث اخیر که همچنان سرنوشتی نامعلوم دارد، ناکارآمدی دولت را بیش از پیش آشکار کرد.

اماد روی دیگر ماجرا، پیشینه حکومتداری طالبان هم چنان تیره و تار است که حتی گاهی خودشان را هم به تبری از آن وادار می‌کند. به‌عنوان نمونه، ذبیح الله مجاهد، سخنگوی این گروه چند ماه قبل در زمان شروع مذاکرات با آمریکا اعلام کرد که قرار نیست طالبان مانند گذشته و با الگوی قبلی حکومت کنند. وی در ادامه اظهارات خود حتی به رای دادن افغان‌ها در مورد نوع ساختار سیاسی آینده نیز اشاره کرده بود. با این وجود به نظر می‌رسد که دیدگاه‌ها در داخل این گروه هم یکدست و هماهنگ نیست. در همین راستا، چندی پیش بیانیه‌ای منتشرش به این گروه منتشر شد که در آن تأکید شده بود طالبان هیچ گاه بر پایی امارت اسلامی را فراموش نکرده‌اند و تن به دموکراسی غربی نخواهند داد. همه اینها می‌توانند نشان دهنده این باشد که در حال حاضر طالبان الگو و برنامه مشخصی برای آینده ندارند و فعلاً تفکر و تمرکز خود را روی خروج نیروهای آمریکایی و جشن گرفتن این پیروزی قرار داده‌اند.

در چنین شرایطی طبیعی است که پیش‌بینی در مورد ساختار سیاسی آینده افغانستان آسان نباشد. در این میان پیشنهادهایی مطرح شده است که برگزاری لویه جرگه سراسری یکی از آنهاست. در طول دو دهه گذشته پنج لویه جرگه در این کشور برگزار شده که البته طالبان در هیچ‌یک حضور نداشته‌اند. شاید این بار با حضور طالبان و سایر گروه‌ها و اقشار در این جرگه بتوان به یافتن راه‌حلی برای آینده امیدوار بود. الگوی دیگری هم پیشنهاد شده که تقریباً مشابه خودمختاری قبایل مرزی پاکستان است. بدین ترتیب طالبان در محدوده تحت کنترل خود از خودمختاری کامل سیاسی و امنیتی برخوردار خواهند بود و در داخل حکومت و پارلمان نیز نمایندگانی از آنها مشارکت خواهند داشت. البته این الگو با حفظ یکپارچگی و انسجام سیاسی در افغانستان هماهنگی چندانی ندارد. در هرصورت باید منتظر بود و دید که این دیدگاه‌های متفاوت، از طیف لیبرال‌ها و غرب‌گرایان گرفته تا طالبان را چگونه می‌توان در یک مجموعه و در کنار هم جای داد.

زنان و نگرانی نسبت به آینده

پیشینه طالبان در برخورد با زنان و در رابطه با نقش آنان در اجتماع، بیش از همه این طیف را نسبت به مذاکرات و آینده‌شان در کشور نگران و بدگمان کرده است. در دوده‌های اخیر زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی افغانستان حضور پررنگ و فعالی داشته‌اند. در زمینه آموزش هم‌مدارس دخترانه به‌رغم کارشکنی‌ها و مخالفت‌های طالبان، در مناطق تحت کنترل دولت دایر بوده‌اند. اکنون این سوال مواجیم که با سهیم شدن طالبان در قدرت آیا این شرایط حفظ خواهد شد یا اینکه موقعیت زنان مجدداً به وضعیت دوران طالبان باز می‌گردد؟ یکی از مقامات دولت کابل در این رابطه به زنان افغانستانی اطمینان می‌دهد که جای نگرانی نیست چراکه هیچ‌وقت امارت اسلامی جای جمهوری اسلامی را نخواهد گرفت. زلمی خلیل‌زاد هم در روز جهانی زن در پیامی خطاب به زنان افغانستان تأکید می‌کند حقوق زنان در هر توافقنامه صلحی باید در نظر گرفته شود و آنها بخش جدایی‌ناپذیر گفت‌وگوهای بین‌الافغانی خواهند بود. از نظر او آینده افغانستان به مشارکت زنان بستگی دارد. با این همه به نظر نمی‌رسد که هیچ‌کدام از این پیام‌ها و دلگرمی‌ها بتواند آرامش را به جامعه زنان افغانستان باز گرداند، آن‌هم در جایی که یکی از طرف‌ها به دنبال فرار از معرکه‌ای است که گرفتار آن شده و طرف‌های دیگر نیز چنان درگیر منازعه حفظ قدرت و سهیم‌خواهی هستند که فکر کردن به چنین موضوعاتی شاید برایشان پیش پا افتاده به نظر برسد.